### مرگ دلخراش ۲۱ مسافر در تازه ترین حادثه رانندگی

# اتوبوس تابوت مسافران شد

■ غلامرضا مسکنی

**در یکی از تلخ ترین سوانح امسال، اتوبوس مسافربری در محور فیروزآباد - کوار استان فارس واژگون شد و ۲۱ نفر را به کام مرگ کشاند. در جریان این سفر بی‌بازگشت ۳۴ مسافر زخمی دیگر هم در بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. بر اساس مرکز آمار ایران، بیشتر مرگ و میرهای غیر طبیعی مربوط به حوادث رانندگی است.**

ساعت حدود ۱۱ صبح دیروز گزارشی از واژگونی یک دستگاه اتوبوس مسافربری در محور فیروزآباد به اورژانس و مأموران پلیس اعلام شد. محل حادثه حدود ۵ کیلومتر بعد از کوار به سمت فیروزآباد بود که مأموران پلیس و عوامل اورژانس به محل اعزام شدند. در محل حادثه مأموران با صحنه‌ای دلخراش و هولناک روبه‌رو شدند. اتوبوس مسافربری پر از مسافر داخل جاده دو طرفه کنار صخره‌ای به دلیل نامعلومی واژگون شده بود و حکایت از آن داشت تعداد زیادی از مسافران زخمی شده و به کام مرگ رفته‌اند. همان ابتدای ورود معلوم شد هشت نفر در دم جان باخته‌اند و بقیه مسافران هم به شدت زخمی و تعداد زیادی هم با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. حادثه هولناک به دیگر تیم‌های امدادی و اورژانس اعلام شد و آمبولانس‌های اورژانس یکی یکی به محل اعزام شدند.

■ **روایت حادثه از نگاه دوربین**

در بررسی فیلم‌های گرفته شده از محل حادثه توسط خودروهای عبوری صحنه آنقدر دلخراش است که دل هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد. تعداد زخمی شده‌ها و آمار فوت‌شدگان حادثه رانندگی لحظه به لحظه رو به افزایش است و از همین‌رو نیاز بیشتر به امدادگران و آمبولانس برای انتقال مصدومان به بیمارستان ضروری به نظر می‌رسد. در حالی که مأموران پلیس و عوامل اورژانس در محل دیده می‌شوند تعدادی خودروی وانت هم کنار جاده توقف کرده‌اند و سرنشینان خودروهای عبوری همراه دیگر امدادگران افراد زخمی را برای انتقال به مراکز درمانی به پشت خودروهای وانت منتقل می‌کنند. کنار جاده تعداد زیادی جسدرها شده و پارچه‌ای روی آنها را پوشانده است. گریه و ضجه‌های چند زن و مرد هم کنار جاده در میان آهن‌پاره‌های به جا مانده از اتوبوس شنیده می‌شود. در همان لحظات اولیه افراد زیادی برای کمک به مصدومان در تکاپو هستند و تلاش می‌کنند تا رسیدن نیروهای کمکی امدادی افراد زخمی را به بیمارستان منتقل کنند. در این میان، مأموران پلیس راهنمایی و رانندگی و مأموران عملیاتی هم حضور دارند و تلاش می‌کنند ترافیک و نظم را در جاده برقرار کنند و از رانندگان عبوری می‌خواهند هرچه سریع‌تر محل را ترک کنند.

■ **اعزام تیم کارشناسان پلیس**

سرهنگ سیاوش محبی، جانشین پلیس راه راهور فراجا درباره این حادثه به «جوان» گفت: «در ساعت ۵:۱۵ بامداد ۲۸ تیرماه یک دستگاه اتوبوس اسکانیا که از شهر اوز استان فارس به سمت شیراز در حال حرکت بوده در ساعت ۱۱ صبح بنا به دلایل نامعلوم (نامشخص) در سرازیری گردنه موک واژگون که متأسفانه در این سانحه ۲۱ نفر از سرنشینان فوت تعدادی مجروح می‌شوند، در این راستا بلافاصله عوامل اورژانس و هلال احمر در محل حاضر و مجروحان به مراکز درمانی اعزام شدند.

وی ادامه داد: «جهت بررسی میدانی و تحقیقات فنی علت وقوع سانحه، یک تیم متشکل از کارشناسان پلیس راه فراجا و سازمان راهداری به استان فارس اعزام شدند که پس از بررسی به محض مشخص شدن علل وقوع سانحه، اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

■ **۵۵ کشته و زخمی**

به نقل از روابط عمومی جمعیت هلال‌احمر استان فارس، حسین درویشی، مدیرعامل جمعیت استان فارس درباره این خبر گفت: در ساعت ۱۱:۳۳ روز شنبه ۲۸ تیر گزارشی مبنی بر واژگونی یک دستگاه اتوبوس مسافربری با مبدأ قیر و کارزین و مقصد مشهد مقدس، در جاده کوار به فیروزآباد، محدوده گردنه موک به هلال‌احمر اعلام شد.

وی افزود: بلافاصله پس از اعلام حادثه سه تیم امدادی از نجاتگران هلال‌احمر به محل حادثه اعزام شدند؛ متأسفانه تا این لحظه ۲۱ تن از هموطنانمان در این حادثه جان باخته‌اند و ۳۴ نفر نیز دچار مصدومیت شده‌اند.

درویشی در ادامه اعلام کرد: با توجه به موقعیت جغرافیایی گردنه موک، عملیات امدادرسانی با حساسیت و سرعت بالا در دستور کار قرار گرفت. نجاتگران هلال‌احمر اقدامات رهاسازی سرنشینان اتوبوس، تثبیت صحنه، کنترل ترافیک و کمک‌های اولیه را برای حادثه‌دیدگان انجام داده و با همکاری اورژانس مصدومان را به مرکز درمانی انتقال و جان‌باختگان را نیز به عوامل انتظامی حاضر در صحنه تحویل دادند.

■ **اعزام ۱۳ دستگاه آمبولانس**

به نقل از روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شیراز، مسعود عابد، رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شیراز از اعزام فوری دو دستگاه اتوبوس آمبولانس و ۱۱ دستگاه آمبولانس برای خدمت‌رسانی به مصدومان این حادثه خبر داد.

به گفته رئیس مرکز اورژانس فارس با نظارت و پیگیری مستمر مرکز هدایت عملیات بحران (EOC) و مرکز پایش مراقبت‌های درمانی (MCMC) دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ۳۱ مصدوم این حادثه پس از دریافت خدمات درمانی ضروری در بیمارستان حضرت فاطمه‌الزهرا(س) کوار، برای ارائه خدمات فوق تخصصی به بیمارستان‌های نمازی و مرکز فوریت‌های جراحی شهید رجایی در شیراز اعزام شده‌اند و تلاش‌ها برای نجات جان مصدومان، بی‌وقفه ادامه دارد.

■ **دستور معاون اول رئیس جمهور**

به گزارش ایسنا، پس از وقوع این حادثه مرگبار معاون اول رئیس جمهور، در تماس تلفنی با استاندار فارس، ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های داغدیده، خواستار رسیدگی فوری به وضعیت مصدومان و بررسی دقیق ابعاد حادثه شد.

دکتر عارف در تماس تلفنی با حسینعلی امیری با تأکید بر ضرورت بسیج همه امکانات درمانی و امدادی برای درمان مصدومان، بر لزوم پیگیری دلایل بروز این سانحه و ارائه گزارش دقیق به افکار عمومی تأکید کرد.

وی همچنین از دستگاه‌های مسئول خواست تا حمایت‌های لازم از خانواده‌های آسیب‌دیده را در دستور کار فوری خود قرار دهند.

■ **جاده رنگ خون گرفت**

جاده فیروزآباد قبل از ظهر دیروز، رنگ خون گرفت. سه عامل انسان، جاده و خودرو سال‌هاست که مسافران زیادی را به مقصد نمی‌رساند و خانواده‌هایی را برای همیشه داغدار می‌کند. حوادث خونین رانندگی برای مردم و مسئولان ما عادت شده‌است و معمولاً چند روز بعد از وقوع این حادثه‌های مرگبار دوباره به فراموشی سپرده می‌شود و طرح و برنامه‌ها برای جلوگیری از وقوع این حوادث خونین رانندگی روی کاغذ می‌ماند.

براساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، بیشترین تعداد مرگ و میرهای غیرطبیعی بر حسب جنس و به تفکیک علت فوت در زمستان سال گذشته مربوط به حوادث رانندگی بوده‌است. آمار اعلام شده نگرانی‌های زیادی را در پی دارد و مردم در انتظار پاسخ مسئولان هستند.

# خدمتکار درمانگاه: دختر جوان را بیهوش کردم برای یک جفت گوشواره!

■ آرمین بینا

**دختر جوان با امید به بهبودی پا به درمانگاه خصوصی گذاشت، اما خدمتکار خیانتکار به‌جای سرم‌درمانی، او را برای سرقت گوشواره‌هایش بیهوش کرد. متهم که در بازداشت به سر می‌برد، ادعا می‌کند مشکلات مالی عقل از سرش پرانده بود که دست به این اقدام خطرناک زد.**

چندی قبل دختر ۲۱ ساله‌ای به نام آرزو همراه مادرش برای شکایت از درمانگاهی خصوصی پا به کلانتری در یکی از خیابان‌های شمالی تهران گذاشت. آرزو به افسر قضایی گفت: «روز حادثه حالم خوب نبود، مادرم هم در خانه نبود. به او پیام دادم برای درمان به درمانگاه محله‌مان رفته‌ام. درمانگاه محل ما در منطقه نیاوران با خانه‌مان زیاد فاصله ندارد، به همین دلیل هم این درمانگاه را برای درمان انتخاب کردم. وقتی وارد درمانگاه شدم، گفتم احساس می‌کنم به آمپول تقویتی و سرم نیاز دارم و پزشک هم برایم سرم نوشت. به اتاقی رفتم که با پرده از سایر بخش‌ها جدا شده بود. مرد جوانی که به نظر می‌رسید خدمتکار است وارد شد، سرم را وصل کرد و رفت. اما چند دقیقه بعد دوباره برگشت و گفت یک آمپول تقویتی دیگر هم باید بزنم. بعد از تزریق، دیگر چیزی یادم نمی‌آید.»

■ **گوشواره**

وی ادامه داد: «وقتی به‌هوش آمدم در خانه‌مان بودم. ابتدا تصور کردم به دلیل تأثیر داروها به خواب رفته بودم، اما خیلی زود متوجه شدم گوشواره‌های طلایم ناپدید شده است. آن روز مادرم به درمانگاه آمد و مرا نیمه‌بیهوش به خانه برد. او هم همین فکر را کرد تا اینکه فهمیدیم گوشواره‌هایم نیست. مادرم به درمانگاه رفت و پرستار هم گوشواره‌ها را به مادرم داده و ادعا کرده بود از گوشم بیرون آمده و روی زمین افتاده‌اند، اما ما حرف‌های او را باور نکردیم و مطمئن هستیم مرد جوان مرا برای سرقت گوشواره‌هایم بیهوش کرده است. از طرفی مادرم وقتی به رئیس درمانگاه شکایت کرده بود با پاسخی تعجب‌برانگیز مواجه شده بود؛ «حالا که گوشواره‌ها را گرفتید، بی‌خیال شوید! من به آن درمانگاه اعتماد کردم، اما پرسنلش برای سرقت طلاهایم مرا بیهوش کردند و به یک قدمی مرگ کشاندند.»

■ **ورود بازپرس**

با شکایت دختر جوان، پرونده روی میز قاضی امیرمحمد کوزه‌گران، بازپرس شعبه نهم دادسرای ویژه جرائم پزشکی قرار گرفت. با ورود بازپرس به این شکایت، تیم تحقیق پلیس در نخستین گام دوربین‌های مداربسته درمانگاه را دقیق بازبینی کردند. دوربین‌ها نشان داد دختر جوان به تنهایی برای سرم‌درمانی وارد درمانگاه می‌شود، سپس به اتاق پرده‌ای می‌رود و در ادامه خدمتکار درمانگاه به نام پژمان که کارش نظافت محل است برای سرم‌درمانی بر بالین دختر جوان حاضر می‌شود. خدمتکار پرده را می‌کشد و سرم را وصل می‌کند و سپس از آنجا بیرون می‌آید و روی صندلی می‌نشیند. دقایقی بعد در حالی که پرستار هم در صندلی کناری او نشسته دوباره وارد اتاق پرده‌ای می‌شود و پرده می‌کشد و حدود ۵ دقیقه بعد بیرون می‌آید. مرد جوان این‌بار کمی هراسان است و دستش را وارد جیبش می‌کند و گوشواره‌هایی را که سرقت کرده در جیبش برانداز می‌کند و روی صندلی می‌نشیند. بررسی‌های فنی نشان داد خدمتکار علاوه بر ارتکاب جرم دخالت در امور پزشکی پس از بیهوش کردن دختر جوان با ماده بیهوشی، گوشواره‌های او را هم سرقت کرده است.

■ **بازداشت**

بدین ترتیب پژمان بازداشت و وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به جرم خود اقرار کرد. متهم در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی گفت: برق گوشواره‌های طلای دختر جوان عقل از سرم پراند و تصمیم گرفتم با سرقت زیورآلات او قسمتی از مشکلات مالی‌ام را برطرف کنم، اما فکر نمی‌کردم گرفتار شوم. متهم در حالی برای تحقیق بیشتر در بازداشت به سر می‌برد که قاضی امیرمحمد کوزه‌گران دستور تحقیق از پرستار حاضر در صحنه جرم و مدیر درمانگاه را صادر کرده است.

تحقیقات برای برملا شدن زوایای پنهان این حادثه ادامه دارد.

**گفت‌وگو با متهم**

■ **عقل از سرم پرید**

پژمان ۳۰ ساله، خدمتکار مرکز درمانی وظیفه‌اش نظافت درمانگاه بود، اما در اقدامی تکان‌دهنده دختر جوانی را که برای سرم‌درمانی به درمانگاه رفته بود، بیهوش و گوشواره‌هایش را سرقت کرد. متهم که در بازداشت به سر می‌برد، اظهار پشیمانی می‌کند.

**پژمان سابقه داری؟**

نه. هیچ سابقه‌ای ندارم و تا الان پایم به کلانتری هم باز نشده بود.

**چرا این کار را کردی؟**

پول نیاز داشتم و وقتی دیدم این دختر تنها برای سرم‌درمانی به درمانگاه آمده، یک لحظه عقل از سرم پرید و تصمیم گرفتم گوشواره‌هایش را سرقت کنم.

**یعنی یک جفت گوشواره ارزش این ریسک را داشت؟**

بله، آن لحظه با خودم گفتم گوشواره را سرقت و با آن مشکل مالی‌ام را حل می‌کنم. مدتی بود صاحبخانه جوابمان کرده بود و برای اجاره خانه نیاز به پول بیشتری برای رهن داشتیم. به هر دری زدیم، پول فراهم نشد. البته مقداری وام گرفتیم، اما باز هم کم داشتیم. مادرم هر شب نگران بود که چطور پول پیش خانه را فراهم کنیم. اضطراب و دلهره او از اینکه صاحبخانه ما را بیرون کند و ما هم نتوانیم خانه‌ای اجاره کنیم، مرا کلافه و سردرگم کرده بود، به‌طوری که عقلم به جایی نمی‌رسید. وقتی گوشواره آن دختر را دیدم با خودم فکر کردم با سرقت آن مقداری از مشکلات مالی‌مان برطرف می‌شود. اما الان که فکر می‌کنم، واقعاً ارزشش را نداشت که دختر جوان را بیهوش کردم.

**چطور به مواد بیهوشی دسترسی داشتی؟**

به مخزن درمانگاه دسترسی داشتم. مثلاً پرستار از من می‌خواست فلان آمپول یا سرم را به او تحویل بدهم. آن روز وقتی برای برداشتن آمپول تقویتی به مخزن رفتم چشمم به آمپول بیهوشی افتاد و برداشتم. در این مدتی که در این درمانگاه هستم، به آمپول‌ها آشنایی دارم.

**فکر نکردی با این کار جان آن دختر به خطر بیفتد؟**

برای سرقت وسوسه شدم و آن لحظه فقط به سرقت فکر می‌کردم. از طرفی من می‌دانستم چقدر مواد بیهوشی تزریق کنم که مشکلی برای او پیش نیاید. البته بعد پشیمان شدم و دعا می‌کردم که اتفاقی برای آن دختر نیفتد، چون وقتی او را از درمانگاه به خانه بردند، هنوز حالش خوب نبود و نیمه بیهوش بود. اگر فوت می‌کرد الان من قاتل بودم و وقتی فهمیدم به هوش آمده خیلی خوشحال شدم.

**چرا به جای پرستار شما سرم را به بیمار وصل کردی؟**

من دوره سرم‌تراپی و تزریقات را طی کرده‌ام. پرستار می‌دانست که کارم را بلدم، به همین دلیل بعضی از بیمارها را من تزریقاتشان را انجام می‌دادم.

**اما شما خدمتکار هستی؟**

بله، من برای کارهای خدماتی در درمانگاه استخدام شدم، اما در این سه سالی که کار می‌کنم کارهای تزریقاتی را هم یاد گرفتم.

**روز حادثه دقیقاً چه شد؟**

آن روز دختر جوان وقتی به درمانگاه آمد و درخواست کرد برایش سرم و آمپول تقویتی بزنیم. او تنها بود و وقتی چشمم به گوشواره‌هایش افتاد وسوسه شدم. سرم را وصل کردم و بیرون روی صندلی نشستم و به دنبال فرصتی مناسب بودم برای اجرای نقشه‌ام. وقتی آنجا خلوت شد به سراغش رفتم و پرده را کشیدم و به او گفتم یکی از آمپول‌های تقویتی را فراموش کرده‌ام و باید تزریق کنم. آمپول بیهوشی را تزریق کردم و او بیهوش شد و من هم خیلی سریع گوشواره‌هایش را سرقت کردم و از آنجا بیرون آمدم و روی صندلی نشستم.

**فکر نکردی دستت رو شود؟**

نه، با خودم گفتم وقتی متوجه شود تصور می‌کند که در خیابان یا مکان دیگری گوشواره‌هایش از گوشش افتاده است.

**گوشواره‌های سرقتی را چه کار کردی؟**

چند ساعت بعد مادرش برای پیدا کردن گوشواره‌ها به درمانگاه آمد و من ترسیدم و گوشواره‌ها را به پرستار تحویل دادم و گفتم روی زمین افتاده بود و من آن را پیدا کرده‌ام. پرستار هم گوشواره‌ها را به زن میانسال تحویل داد و من فکر کردم همه چیز به خوبی تمام شده، اما آنها شک کرده بودند و به اداره پلیس رفتند و شکایت کردند.

**چطور رازت برملا شد؟**

بازپرس پرونده وقتی فیلم دوربین‌های مداربسته را بازبینی کرد، متوجه شد من سرقت کرده‌ام.

**نیت دیگری نداشتی؟**

نه. من فقط قصدم سرقت بود.

**حرف آخر؟**

کاری که کردم خیلی خطرناک بود و خدا به من رحم کرد. الان پشیمان هستم و تصمیم دارم وقتی از زندان آزاد شدم، راه درستی را انتخاب کنم.

# ۳ متجاوز به عنف در استان گلستان به دار آویخته شدند

**حکم اعدام سه محکوم به تجاوز به عنف در شهرستان گرگان، صبح دیروز اجرا شد.**

رئیس کل دادگستری گلستان با اعلام این خبر گفت: در پی شکایت یک خانم، مبنی بر آدم‌ربایی، بلافاصله پرونده با صدور دستور قضایی، تشکیل و تحقیقات آغاز شد.

حیدر آسیابی افزود: در مرحله تحقیقات، سه خانم دیگر هم با ثبت شکایت، از تجاوز به عنف خبر دادند که با حساس شدن موضوع و مشابه بودن شگرد مجرمان، تیم ویژه‌ای از قضات و مأموران انتظامی تشکیل شد و این باند سه نفره با سرعت شناسایی و دستگیر شدند. متهمان به جرم خود اعتراف کردند و تحقیقات قضایی با جدیت پیش رفت و پس از طی مراحل قانونی، حکم اعدام این مجرمان در یکی از شعب دیوان عالی کشور تأیید شد.

وی ادامه داد: پرونده مراحل و تشریفات قانونی لازم را طی کرد و در نهایت، این محکومان به جرم تجاوز به عنف، صبح دیروز در محل زندان گرگان، به دار مجازات آویخته شدند.

رئیس کل دادگستری گلستان تأکید کرد که دستگاه قضایی با قاطعیت در برابر چنین جرایمی ایستاده و از حقوق شهروندان دفاع خواهد کرد. این پرونده، نمونه‌ای از سرعت، دقت و جدیت نظام قضایی در برخورد با متجاوزان است.

# شمشیرکشی در تاریکی شب جان اراذل را گرفت

**درگیری شبانه دو گروه از اراذل در یکی از خیابان‌های جنوب تهران به خاطر قدرت‌نمایی با قتل یکی از آنها پایان یافت. عامل قتل که علاوه بر شرارت سابقه سرقت هم در پرونده‌اش دارد، تحت تعقیب مأموران قرار دارد.**

ساعت ۳ بامداد روز شنبه ۲۸ تیرماه، مأموران پلیس تهران تلفنی به قاضی محسن اختیاری، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند مرد جوان زخمی پس از انتقال به بیمارستان به کام مرگ رفته است. مأموران اعلام کردند مقتول در نزاع دسته‌جمعی در یکی از خیابان‌های جنوب تهران زخمی شده است.

با اعلام این خبر، بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی بیمارستان شدند و در آنجا با جسد مرد جوانی به نام بهمن‌ماه روبه‌رو شدند که با اصابت جسم نوک تیزی به قتل رسیده بود.

بررسی‌های مأموران نشان داد ساعتی قبل دو گروه از اراذل که از قبل به‌خاطر قدرت‌نمایی و کری‌خوانی با هم اختلاف داشته‌اند داخل خیابانی در جنوب تهران قرار دعوا می‌گذارند. دو گروه با قمه و شمشیر و چاقو به جان هم می‌افتند و در جریان آن بهمن به قتل می‌رسد و عاملان قتل هم از محل فرار می‌کنند.

مأموران در بررسی‌های میدانی عامل قتل به نام فرمان را شناسایی کردند و مشخص شد وی علاوه بر شرارت سابقه سرقت هم در پرونده‌اش ثبت شده است.

سپس مأموران برای دستگیری وی به محل زندگی‌اش رفتند، اما دریافتند قاتل پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته است.

در ادامه جسد برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی منتقل شد. بازپرس پرونده برای بررسی دقیق‌تر و شناسایی عاملان حادثه به مأموران دستور بازبینی دوربین‌های مداربسته محل حادثه و تحقیق از بستگان مقتول را داد. کارآگاهان جنایی در تلاشند عامل حادثه و همدستانش را بازداشت و زوایای پنهان حادثه را برملا کنند.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
۸۸۵۴۵۴۸۸

**آگهی مزایده عمومی**

شرکت کرانه نیلگون افق در نظر دارد سردرختی باغ لیمو ترش (لیمو شیرازی) خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان جهت شرکت در مزایده بایستی مبلغ ۳،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (سه میلیارد ریال) به عنوان سپرده شرکت در مزایده به شماره شبای IR۳۴۰۱۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۰۹۷۹۳۹۷۰۰ نزد بانک کشاورزی بنام شرکت کرانه نیلگون افق واریز نمایند و برای اطلاع از شرایط شرکت در مزایده، از زمان انتشار آگهی تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ با شماره تلفن ۰۹۱۹۷۲۲۰۷۸۲ (آقای حقی‌پناه) تماس حاصل نمایند و پس از هماهنگی، جهت بازدید و شرکت در مزایده به آدرس: گچساران، نرسیده به پلیس راه یاسوج-گچساران، روستای تلخاب شیرین، مجموعه بافات گروه کشاورزی رویش فتح مراجعه نمایند. متقاضیان می توانند از طریق آقای حقی پناه (۰۹۱۹۷۲۲۰۷۸۲) نسبت به دریافت فرم شرکت در مزایده اقدام نمایند. دستگاه مزایده گزار در قبول یا رد هر یک و یا تمامی پیشنهادهای واصله مختار می‌باشد.

| ردیف | نوع محصول | تعداد تقریبی درخت(اصله) و مساحت |
|---|---|---|
| ۱ | لیمو ترش شیرازی | ۱۵۰۰ اصله با مساحت تقریبی ۱۵ هکتار |

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**
**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۹۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۳۸۰۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۸ و رای اصلاحی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۱۱۰۰۲۰۸۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۵ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عیسی حاجی فرج زاده بشناسنامه شماره ۱۳۲۷ صادره از تهران فرزند میرزا آقا در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۸۴/۷۰ متر مربع مفروز از پلاک شماره ۱۸۹۴ فرعی از ۱۷۰ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای بابا علی حسن زاده و با مالکیت مالک اولیه آقای حسین خاکباز تایید می نماید. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴
حسین رضانوری شاه - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج
شناسه آگهی: ۱۹۶۲۵۶۹